

## شاه امان الله در کسوت یک خطیب برجسته مسلمان خطبه های نماز شاه امان الله، در روزهای جمعه و عید بیانگراوج فهم او بر امور دین اسلام است!



### مقدمه:

تهیه و تنظیم و ارائه مجموعه بیانات شاه امان الله غازی از سوی داکتر سید عبدالله کاظم، تحفه گرانبهای است برای خوانندگان که بمناسبت نودونهمین سالگرد استقلال کشور در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين به نشر رسیده. من از خواندن هر بخش آن احساس خوشوقتی کرده ام و در حق مولف دعا نموده ام.

در اینجا میخواهم احساس خودم را از خواندن این مجموعه مقالات که شاه امان الله در محور آن قرارداد بیان کنم. لویه جرگه ۳۰۳ در پغمان کابل تحت ریاست شاه امان الله غازی تدویر شد و مدت ۹ روز را در برگرفت، جلسات لویه جرگه هر روز از طرف صبح و بعد از ظهر تدویر می یافت و در آن قوانین مختلف کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار می گرفت.

در طول هر مجلس بر هریک از مسائل مطروحه ده ها سوال مختلف مرتبط و غیر مرتبط به موضوع مطرح میشود و شاه مجبور است به هریکی از سوالها پاسخ منطقی در مطابقت با شریعت اسلامی بگوید. وقتی آدم به جوابات فی البدیهه و توضیحات مفصل شاه به سوالات و کلاء در عرصه های مختلف مواد قوانین و علت و دلیل و منطق ذکر یکا یک مواد را در قوانین او توضیح میدهد و سعی میکند آنرا در کله های متحجر برخی از وکلای لویه جرگه فرو ببرد؛ گوش میدهد، انسان به حوصله و استدلال و منطق و فصاحت کلام و اطلاعات و خرد سیاسی و حقوقی آن شاه غازی در خود محو میشود.

میتوانم بگویم که افغانستان یک چنین شاه آگاه و تیز هوش و خردمند و سخنور ماهر و توانا و بردبار و دموکرات را در تاریخ دولت داری خود، بخود ندیده است. افسوس و صد افسوس که ملت عقب مانده و بیسواد و عنعنه پرست و گوش بگفتار ملا و پیر، از درک عظمت شاه عاجز بوده است. بخصوص وقتی دیده میشود که سخنرانی و اظهارات منطقی او بایک سوال بی منطق یک ملای بیسواد و متحجر و هدایت شده از سوی حضرات مجددی با صفر ضرب میشود و شاه مجبور میگردد از راه دیگری وارد بحث شود و مثالهای دیگری که با فهم و شعور ملا برابر باشد بیاورد تا به قناعت لویه جرگه پرداخته باشد، اما روحانیت متنفذ لجاجت بخرج میدهد و پای شریعت را در میان میکشد. یک مثال از این لجاجت روحانیون، مخالفت با تعلیم و تحصیل دختران در مکتب است. روحانیت متنفذ با

طرح ها و استدلال شاه برای تعلیم دختران در مکتب مخالفت میکند و حجاب زنان را یک فرض تلقی کرده شاه را مکلف به پیروی از احکام شرع میسازند.

وقتی شاه در مورد یک مسئله اجتماعی یا شرعی توضیحات میدهد، انسان به حیرت می افتد که آیا او یک شاه و یک سیاستمدار است که سخن میزند و یا یک خطیب مسجد؟

شاه امان الله اولین پادشاهی در افغانستان است که توانست حق امامت که حق خلیفه اسلام و یا رهبر اسلام است از چنگ ملاها بیرون کند و خود این حق را بدست گیرد.

شاه امان الله در نمازهای روز جمعه شرکت می نمود و خطبه را به عربی آغاز میکرد و بقیه را به زبان فارسی ادامه میداد و میگفت هدف نماز جماعت مطلع شدن از احوال یک دیگر است و این

احوال پرسی سبب محبت و دوستی میان مردم میشود و از نفاق و شقاق میان جامعه مسلمان میکاهد. شاه میگفت اگر هدف خطبه هدایت و ارشاد نمازگزاران است بهتر است تا بزبان نمازگزاران سخن

گفته شود. شاه هر خطبه را بر محور کسب علم و دانش و فرستادن اطفال به مکتب ادامه میداد و با دعای اتحاد و اتفاق مردم افغانستان به پایان میبرد و برای اتحاد مردم در آخر میگفت: «**هندو، هزاده،**

**شیعه و سنی، احمدزایی و پوپلزایی نداریم، بلکه همه یک ملت هستیم و آن افغان است.**» (سفرهای شاه امان الله)

فهم و دانش شاه امان الله را در امور دینی میتوان از خطبه هایش در نمازهای جمعه و یا عید به امامت خودش به خوبی دانست. در مجموعه ارشادات شاه امان الله متن چند خطبه قید شده است که بسیار دلچسپ و آموزنده است.

من دو خطبه او را برمیگزینم، یکی خطبه نماز عید قبل از تدویر لویه جرگه و دوم خطبه نماز جمعه حین جریان لویه جرگه را به امامت شاه در اینجا اقتباس میکنم تا دیده شود که این شاه جوان

در دین اسلام چقدر وارد بوده و تا چه حد اهداف نمازهای جماعت و جمعه را به نفع وحدت مردم و کسب علم و دانش به فرزندان شان بزبان خودشان تشریح و توضیح میکرده است.

### نطق شاه غازی در خطبه اول نماز عید قربان:

الله اکبر الله اکبر لاله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد (سه مرتبه) الحمد لله رب العلمین ط  
نشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و نشهد ان سیدنا و مولانا محمد عبده و رسوله ط صلی الله

تعالی علیه و علی اله و اصحابه اجمعین ط

امابعد:- برادران من! عزیزان من! نورچشمان من!

امروز خدای را شکر گذاریم که ما و شما را بدین مقدس اسلام مشرف ساخته، از پدر پدر بروی دنیا اولاد مسلمان آمده ایم و همیشه بدرگاه خالق بی نیاز خویش عرض و نیاز داریم که ما را

بدین مبین سید المرسلین قائم و دائم داشته باشد، بروز آخرت نیز ما را بشرف شفاعت (محمدی) افتخار بخشیده در زمره مسلمانهای نیکوکار مبعوث دارد.

امروز برای عالم اسلام یکروزی است بسیار مقدس که از برکت آن تمام گناهان و خطاهای را که بدان مرتکب شده باشیم در حج بیت الله شریف بخشیده و معاف میگردد. بندگانی که خطا میکنند،

یا گنهگار میشوند، عموماً امید و انتظار مغفرت پروردگار را دارند. ذات خداوندی نیز از لطف و مرحمت خویش بمحضی که بنده عاصی او بصدق دل بدامن خانه کعبه اش چنگ بزند، در همین روز

اقدس تمام گناهان و ویرا معاف و می بخشد. چقدر نیک بخت و سعادت مند است آن مسلمانانیکه درین روز زیارت و لقای خانه خداوندی پذیرفته شده تمام گناهان شان معاف میشود، ازین سبب بلندترین

و مقدس ترین ایام برای عالم اسلام همین روز فیروز است.

علاوه بر اینکه زیارت خانه (کعبه) موجب معافی حقیقی خطا و گناهان ماست، یک خدمت کلان دیگری را برای اتحاد و اتفاق عالم اسلام مینماید و آن اینست که در ضمن ادای حج و زیارت آن خانه

مبارک با مسلمانان رنگارنگ عالم که ما آنها را ندیده ایم و کلمات و گزارشات شاترا نشنیده ایم، بر

میخوریم و ملاقات مینمائیم، حرف های شانرا گوش میکنیم و شکایتهای را که از بیگانگان دارند  
استماع میورزیم، بمسرت عالم اسلام مسرور و بغم و اندوه شان غمگین میشویم.

اگر ما و شما بهمان نیت و مقصدیکه خداوند ما را امر و هدایت نموده بخانه کعبه مشرف شویم  
و آن شکایت و بیدادیهای را که برادران اسلامی ما از دست اذیت ظالمان و بیگانه های دین خویش  
دارند شنیده از حال همدیگر حقیقتاً مطلع و خبر دار شویم، گاهی عالم اسلام باینحال فلاکت و مذلت  
امروزه گرفتار و دچار نمیشد.

جای شکر و امیدواری است آن عالم اسلامی را که دشمنان دیرنیه او پرچه پرچه کرده در میان  
خویش تقسیم نموده خوردند، امروزه روز بیدار شده اند.

ای دشمنان اسلام بدانید و آگاه باشید که درینوقت حصه مهم عالم اسلام بیدار شده، مابقی آن  
نیز عنقریب بیدار شدنی است و بپاداش این خواری و زبونی که از دست شما بعالم اسلام رسیده، شما  
را هم بپاداش اعمال تان خواهند رسانید. اگرچه شما در موقع غفلت و نادانی و بی اتفاقی عالم اسلام  
خوب خوردید ما را، لکن واسطه و ذریعه این پستی و تنزل و خرابی تماماً از دست خود ماست که  
اغراض پرستی و تن پروری و جدائی و نادانی خود ما، شما را کامیاب داشته است.  
هر چه است از قامت ناساز بی اندام ماست!

و الی[الا] دشمنان بر ما غلبه کرده نمیتوانستند زیرا که نظر به نفوس آن قطعات عالم اسلام  
که پامال بیگانگان شده تعداد دشمنان شان، صد یک، هزار یک کرور باشندگان خود آن مملکت نیست،  
پس چه قسم غلبه کرده میتوانند!!!

معلوم است که نفاق و ضدیت شخصی و خرابی های در میانی خود ماست که بیگانه ها را مظفر  
می سازد. اگر مسلمانان حقیقتاً مسلمان و پیرو پیغمبر و قرآن بوده کار از اتحاد و اتفاق، دیانت و  
اسلامیت بگیرند، ضرور بمقاصد خود کامیاب و در همه جا مظفر و منصور میباشند.  
عجب است که خداوند دشمنان ما را مظفر میسازد و دوستان خود را که بآنها وعده ظفر و  
منصورت را نموده، مظفر نمیسازد.

باز میگویم که این نیست، مگر نفاق خانگی و خرابی های اندرونی خود ما!  
ازین است که بحضور شما برادران خود عرض مینمایم، حینیکه بکلمه «لا اله الا الله محمد  
رسول الله» چنگ انداخته ایم و دین مقدس اسلام را یک دین متین می انگاریم، در دنیا و آخرت  
پیروی او را باعث نجات و رستگاری خود میدانیم، پس از برای خدا و رسول اتفاق کنید! و جاده  
نفاق را مپوئید [پوئیدن به معنی با شتاب به هرسو رفتن]، همه برادران مسلمان خود را مثل برادر  
عینی و خون شریک خود پندارید.

در حقیقت چیزیکه اتفاق حقیقی را در میان یک مملکت اسلامی بوجود می آورد، خدا شناختن  
و پیروی اوامر و هدایات خدا و رسول را نمودن است. وقتیکه یک مسلمان خدای خود را خوب  
بشناسد و به مسلمانی خود بدرستی پایبند باشد، گاهی نخواهد شد که نفاق بکند یا حسد و کینه اختیار  
ورزد و یا خجالت و شرمسار گردد. چرا هر چیزیکه برای او پیش میشود، وی عقیده دارد که این  
ذلت و خواری یا خسارت در تجارت و معاملات من که بوقوع پیوسته از... نفس و یا عدم کوشش  
خود من است. وقتیکه یک منفعت یا عزت را ببیند، میگوید که خدا بمن عطیه کرده است.

باید با برادران نادر و ناتوان خویش معاونت کنیم و با کسانیکه مریض و بیچاره باشند، امداد  
نمائیم و با برادران اسلامی خویش همدردی کنیم. امثال این رفتار و اعمال اسباب اتحاد و اتفاق را  
تولید میکند، وقتیکه ما اتفاق داشته باشیم، دست اذیت هیچ دشمن بالای ما دراز نمیشود و گاهی  
از عظمت و هیبت خداوندی و برکت تعمیل اقوال حضرت رسالتیناهی، دشمن بالای ما حکمرانی کرده  
نمیتواند.

این بیانهای را که نمودم نه تنها نصیحت عاجزانه من است بلکه اوامر خداوندی و ارشادات  
نبوی نیز همچنین است.

با اینکه در موضوع عید اضحی بار بار بحضور شما تفصیلات را عرض نموده ام و الحمدلله شما هم از احکام مذهبی خود خوبتر معلومات دارید، باز هم اینقدر عرض میکنم برای هر مسلمانی که (۷۰) روپیه اضافه تر از احتیاجات اصلیه خویش داشته باشد، واجب است که یک گوسفند قربانی نماید. با اینکه درین امر دینی ما بسیار منافع و اسرار دینی و دنیوی موجود است، چون هوا گرم و فرصت کم است اگر اندکی از آن بیان نمایم برای شما تکلیف میشود.

همه ما و شما میدانیم که قربانی کردن امر خدای ماست اگر خداوند سر ما را، جان ما را، مال ما را، اولاد های ما را و هر چیز را که داشته باشیم، بخواهد، ما جهت تعمیل ارشادش حاضریم. چون قربانی عوض ذبح اولاد پنداشته میشود، پس اشخاصیکه مستعد بقربانی باشند، باید به بسیار شوق و ذوق او را بدست خویش و یا بدست وکیل خود ذبح نمایند.

### **(انا اعطینک الکوثر فصل لربک و انحرط ان شائنک هو الابر)**

إله العالمینا! بحرمات قرآن پاک و بحرمات حضرت (رسول الله) مبارک و بحرمات کسانیکه به پیش تو عزت و آبروی دارند، عالم اسلام را از نفاق و مغلوبیت نگهداری! علی الخصوص ملت افغانرا که یک ملت شجاع، دلاور، فاتح و مظفر است، سرفراز دین و دنیا داشته باشی و من عاجز بیچاره، خدمتگار عالم اسلام و قوم خود را توفیق عطا کنی تا خدمتی بکنم که در دنیا و عقبی سبب نجات شان بوده و در آخرت به بهترین جنت ها باشند و دولت علیه ترکیه، دولت ایران و اعراب و برادر های مسلمان ما هندوستانیان و برادر های بخارانی و برادر های چینی ما و تمام مسلمانانیکه در هر نقطه دنیا هستند بحفظ و حمایت خود نگهداری!

إله العالمینا! هرچیزیکه میکنی خودت میکنی، بالای ما نظر لطف و مرحمت داشته باشی و بهمان راهی که نجات ما را میدانی ما را ببری، و از دربار خالق بی نیاز خود عسکر افغانستان را به دین و دنیا کامیاب خواسته ام! الهی در هیچ وقت سر شان پیش دشمن خم نباشد و همیشه بیدار و فعال باشند و تمام مامورین و کسانیرا که از دل و جان برای افغانستان خدمت میکنند، معزز دارین داشته باشی و اشخاصیکه تنبلی میکنند آنها را هدایت بکنی و در راه نیک بیاوری، عبادالله رحمکم الله ان الله یامر بالعدل و الاحسان... (الایه) الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و الله الحمد... (داکتر کاظم، مجموعه بیانات شاه امان الله در لویه جرگه 1303، قسمت اول، افغان جرمن آنلاین 17/ اگست 2018)

## **نطق اعلیحضرت غازی بعد از نماز عید قربان در سلام خانه**

### **به اعضای لویه جرگه 1303**

اولاً بهمه شما برادران و مهمانان عزیز خویش تبریک عید را میگویم و آرزو مندم که خداوند بسیار عید های خوب و با شرف را نه تنها برای شما بلکه به تمام قوم افغان عطا و احسان فرماید و اینطور کار های خوب از دست شما سر بزند و چنان ترقیاتی را خداوند نصیب تان کند که هر روز برای شما عید باشد.

بعده [بعداً] برای شما مهمانهای عزیز خود خوش آمدید گفته، میگویم که پایتخت افغانستان خانه تمام ملت افغان است همه شما بخانه خود تان خوش آمدید.

میخواهم در موضع تشریف آوری شما مهمانهای عزیزم که درینجا حضور دارید، چیزی عرض نمایم: خدایرا شاکرم که محض از کرم و الطاف خویش و برکت روحانیت (رسول الله) درین دوره پنج ساله تا توانستیم شب و روز کوشش کردیم و در فراهم آوردن موجبات ترقی افغانستان کوتاهی ننموده ایم، چون غیر از خدمت دین و خدمت وطن و حفظ ناموس و شرف افغانستان، دیگر مقصد و آرزوی نداشتیم، بهمه خیالات و مقاصد خویش کامیاب و بهر کاریکه اقدام ورزیدیم بکمال درستی او را انجام

داده ایم (الله الحمد) که تا این زمان ما ملت افغان در تمام مطالب و مقاصد خود مان بخوبی تمام فائز بوده درین عرصه پنج سال کامیابانه کار کردیم.

**عموم حضار: الحمد لله! شکر شکر!**

اکنون خواهشمندیم که یک دوره جدیدی را شروع نمائیم که کارروائیها و اجراءات آن نسبت به پنجسال گذشته اسباب ترقی مملکت و وسیله آسایش و منفعت رعیت ما باشد و درچیزهائیکه ذریعه بهبودی و تعالی ملت پنداشته شوند، کوشش کنیم اگر چه یک لحظه از خدمت شما قوم نجیب خویش باز نمانده ام و کفی بالله شهیداً بهر صورتیکه توانستم سعی کردم و عرق ریزی نمودم که این ملت پس مانده خود را تا یک درجه علیا برسانم. الحمد لله که از مراحم ایزدی به آرزو های که نسبت بترقیات ملت و مملکت خود بدل میپوراندیم، موفق گشتیم و امروزه روز در تمام مقاصد و مطالب خویش کامیاب هستیم و بکمال افتخار میگویم که امروز ملت ما سر فراز ترین ملت‌های روی دنیاست! کف زندهای شادمانی!

لهذا درین دوره تازه خواستیم تا از اتفاق آراء و افکار شما وکلاء، علماء و فضلا و اعزه ملت‌م استفاده نموده اساس مجده حکومت را بفکر های متین شما تاسیس کرده ترقیهای فوق العاده و بهبودیهای بی اندازه را برای ملت و مملکت خویش فراهم آوریم.

مقصودی را که از شمولیت شما درلویه جرگه در نظر دارم، این است که شما نسبت به این خادم ملت و اعضای منتخبه مجلس عمومی شورای دولت از عادات و اطوار و افکار و اجراءات و ضروریات و احتیاجات ملت چنان اطلاعات و معلوماتی را بدست دارید که ما و آنها نداریم. اگر چه ما هم تا یک درجه اجمالی از احوال ملت و مملکت واقفیم، اما آنطوریکه شما واقفید کلی و معلومات تفصیلی دارید، ما نداریم. چنانچه یک تولی مشر نسبت به کندکمشر معلومات زیاد به تولی خود دارد و همچنین کندک مشر تا درجه معلومات از کندک خود دارد که غند مشر ندارد.

چیزی را که درین روز افتتاح بشما معروض میدارم و شما را بطور یادداشت میگویم، همین است آنچه بفکر شما برای بهبودی ملت و ترقی مملکت تان بهم میرسد محضاً برای خدا بگویند و بغیر از اظهار افکار حقیقی خویش لحاظ و خاطر داری هیچ یکی را نکنید که فلان کس اینطور گفته من هم باید چنین گویم، نی! هر کدام تان خود ها را وکیل قوم و کفیل مهمات عموم پنداشته فقط رضای ایزدی و رفاه و آسایش عمومی را مد نظر گرفته آنچه بفکر تان برسد، حقاته بگویند، زیرا که اگر قوم ما به آسایش باشد خود ما نیز آسوده حالیم، چنانچه افغانان در مثل میگویند! «چه خانی په یارانی» بلی! اگر خدا ناخواسته قوم ما غریب، بیکار، بی علم، پریشان و ناتوان باشد ضرور ما هم پریشان هستیم. بنابراین محض استرضای خداوند آنچه در آن فائده عموم باشد، آزادانه در مجلس بیان نمائید.

**این خادم ملت از اول جلوس بر تخت سلطنت تا حال خیر و بهبود عموم ملت افغانستان را یکسان زیر نظر گرفته هیچگاه بدون صلاح و مشوره کاریرا نموده ام و شما را هم محض بدین مقصد خواستم که صرف جهت مزید منفعت و آسودگی عموم ملت افغانستان با شما مشوره کنم.**

اقوام دانسته ما خوب میدانند که این کار ها و خدمتهای را که ما میکنیم، تماماً برای منافع و رفاهیت عموم سکنه افغانستان است، لاکن بعضی از اشخاص که تا حال فکر شان چندان بلند نشده نتایج و ثمره این افکار و خیالات ما و شما را بخوبی احساس و درک کرده نمیتوانند، باز هم ما خود داری نموده فقط بغرض حصول رضای خدای خود و منفعت قوم و سر سیزی مملکت خویش کوشش ها میکنیم، مشوره ها می نمائیم تا ملت خود را بدرجه های بسیار عالی برسانیم.

**بلی! یک مریض دوا نمیخورد، اما بهر طوریکه ممکن باشد او را دوا میخورانند. یک پسر خورد**

برضای خویش هر گز مکتب نمیرود، مگر پدرش او را برفتن مدرسه مجبور میسازد. اگرچه پسر در آوان نادانی ازین اوضاع پدر خود میرنجد، اما چون فائده او در آتیه بدو عائد است در حق پدر خود دعا گویی میکند.

باید علماء فضلا، سادات، مشایخ، روسا، دانشمندان و پادشاهان کسانی را که از حقایق اطلاع ندارند و خیر و شر خود ها را بطوریکه لازم است بخوبی نمیدانند، نصیحتاً بفهمانند و در زیادت جذبات و زنده نمودن حسیات آنها کوشش ورزند. اگر چه فی الحال برایش در انجام این خدمت مقدس تکلیفی عاید خواهد شد لکن زمانیکه مردم به حقایق و مفاد خویش دانسته شدند، خاکش را توتیای چشم خود مینمایند.

باین سبب برای آسایش ملت خود هر چیز را که شما علماء و دانشمندان بگوئید و هر خیر و منفعتی را که شما لازم میدانید، بیان کنید تا من عاجز خدمتگار شما که به امر خداوند امروز پادشاه شما هستم، بجا بیاورم تا درین دوره جدید بهترین اصول و طرزی را که برای خیر و آسایش عموم ملت باشد بسازیم و بروی کار بیاوریم.

در خاتمه کافه ملت افغانستان را مظفر و کامیاب و بهترین سکنه تمام گره دنیا از خدای خود خواسته ام. خدای ما قادر است که ملت ما را بهترین و کامیاب ترین ملل روی دنیا بگرداند.

اگر چه این سخن را شنیده بعضی خواهند گفت چطور میتواند شد که این ملت پس مانده افضل و اعلی تمام ملل دنیا شود، لکن آنها علاقمندی مرا با ملت بطوریکه دارم نخواهند دانست که از فرط عشق و محبت خود برای آنها تمام خوبی ها و ترقیها را که در دنیا است، خواهاتم و عقیده دارم که خداوند مهربان است و ضرور این عرض و التجای ما را قبول کردنی است. [پایان خطابه اعلیحضرت]

باقی در بخش دوم